



تحلیل هفته

نقش و ظرفیت داعش در افغانستان

[بهنام توکلی]

با گسترش داعش در عراق و سوریه، در شبه قاره نیز گروه‌های افراطی بدنبال پیوستن به گروه تروریستی داعش بودند و به همین دلیل با شکست داعش در سوریه و عراق، این پیش‌بینی وجود داشت که افغانستان یکی از مقاصد داعش و حامیان آن، برای جذب و تربیت دوباره نیرو باشد. از سال ۲۰۱۴ بعد که زمزمه ظهور داعش در افغانستان به گوش رسید، آموزش‌ها، عضوگیری و تربیت آنان در شهرستان «اچین» ولایت ننگرهار شروع شد و با شکست داعش در عراق و سوریه، بخشی از نیروهای تکفیری و تروریستی داعش، به افغانستان منتقل شده و اکنون در بخش‌های شرقی، جنوبی و حتی شمالی این کشور لانه‌گزینی و تکثیر یافته‌اند.

صفحه دوم

سخن هفته

[توحید محمدزاده]

آیا توافق میان ترکیه و روسیه قابل اجرایی شدن است؟

روند توافق بر اساس روندی که در گذشته تعیین شده بود به دلایل مختلف تا کنون اجرایی نشده است. اگر جزئیات توافق ادلب مورد توجه قرار گیرد آن‌گاه متوجه خواهیم شد که چرا توافق روسیه و ترکیه بر سر ادلب ناکام مانده است.

صفحه دوم

یادداشت هفته

اهمیت نگاه به شرق

[امیر حسین پرکشت]

تحولات ژرف بین‌المللی پس از پایان دوران دوقطبی در جهان موجب شد کشورهای به بازنگری اساسی در سیاست جهانی خود رهنمون شوند.

صفحه دوم



تفرقه بیانداز و حکومت کن

کنکاش هفته

مجلس عراق

[محمدرضا بابایی]

به دوره‌های قبل ائتلاف سائرون به رهبری مقتدی صدر پس از ائتلاف با سوسیالیست‌ها توانست آرا بیشتری را از بقیه رقبای سیاسی خود کسب کند در رده دوم جریان هادی‌العامری از ائتلاف النصر و در رده سوم جریان حید العبادی از حزب الدعوة بود. احزاب و ائتلاف‌های سیاسی راه یافته به پارلمان پس از انتخابات مذاکرات و گفت‌وگو برای تشکیل حکومت را آغاز می‌کنند. مرحله تشکیل حکومت نیاز به توافق بین بازیگران منطقه‌ای نیز می‌باشد این امر باعث پیچیدگی بیشتر اوضاع سیاسی در عراق آن هم در مرحله عبور از تروریسم است.

سرانجام نمایندگان پارلمان عراق پس از گمانه‌زنی‌های فراوان و ماه‌ها کشمکش با اکثریت آرا در نشست ۱۵ سپتامبر در پارلمان، محمد الحلبوسی را به عنوان رئیس مجلس عراق انتخاب کردند. محمد الحلبوسی استاندار سابق الانبار بود و نامزد پیشنهاد شده توسط جریان‌های هادی‌عامری و نوری‌مالکی نخست‌وزیر سابق است که از گروه‌های مورد حمایت ایران محسوب می‌شود. طبق روال معمول ریاست پارلمان به اهل سنت، پست نخست‌وزیری به شیعیان و ریاست جمهوری به کرد ها تعلق می‌گیرد. با این همه اختلافات سیاسی میان این سه گروه چنان زیاد است که رسیدن به فردی که مورد تایید پارلمان باشد چندان آسان نیست.

انتخاب الحلبوسی زمینه انتخاب رئیس‌جمهور و بعد از آن نخست‌وزیر عراق را فراهم کرد. بسیاری از ناظران معتقدند که این اقدام می‌تواند گام‌های مثبت در زمینه از بین بردن خشونت‌های قومی و فرقه‌ای در عراق از یک طرف و ایجاد فرصت‌های اجتماعی برابر، برقراری امنیت و تلاش برای رفع فقر برآورد.

روزنامه «العرب» پیروزی الحلبوسی را پیروزی ایران در عراق معرفی کرده است تلاش آمریکا برای به قدرت رسیدن خالد العییدی وزیر پیشین دفاع عراق با شکست روبه رو شد بسیاری از ناظران معتقدند که آمریکا استراتژی واضحی پیرامون مسئله عراق ندارد و دیپلماسی آمریکا در قبال کشور‌های منطقه‌ای با چالش‌هایی روبه شده است که این امر باعث شده است ایران نفوذ خود را در عراق گسترش دهد البته نقش دیگر بازیگران منطقه‌ای از جمله ترکیه را نباید نادیده گرفت که به دنبال ایجاد ارتباط میان طیف‌های میان‌روی سنی، شیعه و کرد به خصوص در مناطق شمال عراق است. وهدف اصلی آن مبارزه با پیکارجویان کرد در کوهستان‌های قندیل است. تلاش‌های عربستان سعودی برای کاستن از نفوذ ایران بیشتر در قالب حمایت از جریان‌های سکولار شیعه و جریان‌های شیعه مخالف ایران و سنی‌ها خلاصه می‌شود و به دنبال برقراری روابط سیاسی با عراق به بهانه کمک برای مبارزه با تروریسم بود و خواستار احداث کنسولگری در بصره و نجف بود و گذرگاه مرزی عراق و عربستان در ماه اوت ۲۰۱۷ برای اولین بار بازگشایی شد و پروازها بین دو کشور از سر گرفته شد. علت اصلی عدم موفقیت عربستان سعودی در عراق را می‌توان در چند عامل خلاصه کرد عامل اول بافت اکثریت عراق شیعه مذهب هستند و از نظر فکری به جمهوری اسلامی ایران نزدیک هستند. عامل دوم ساختار سیاسی حاکم بر عربستان سعودی دیکتاتوری است و تمرکز قدرت در اختیار پادشاه است و انتخابات و احزاب سیاسی معیاری ندارد، عربستان سعودی یکی از حامیان اصلی حکومت‌های مستبد در منطقه خاورمیانه است.

سازد طرح خاورمیانه بزرگ در سال ۲۰۰۳ توسط کارگزاران سیاست خارجی و امنیتی آمریکا ارائه شد در طرح جدید آمریکا، کشورهای عربی به عنوان هسته مرکزی و کشورهای ایران، افغانستان، پاکستان و اسرائیل به عنوان ممالک حاشیه‌ای در ژئوپلیتیک امنیتی خاورمیانه مدنظر هستند هرگاه چنین رهیافتی ارائه می‌شود، قالب‌های تئوریک و تحلیلی آن به وسیله استراتژیست‌های امنیتی ملی مورد ارزیابی تحلیلی قرار می‌گیرد و طرح خاورمیانه بزرگ در سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ یکی از موضوعات اصلی امنیت ملی آمریکا است این طرح که از سوی کارشناسان دولتی در آمریکا مورد تایید قرار گرفت به عنوان زیرساخت رفتار سیاسی و امنیتی ایالات متحده در سال‌های بعد از اشغال عراق تلقی شد طرح خاورمیانه بزرگ تاکید داشت که باید زمینه لازم را برای تغییر در اولویت‌های سیاسی و هنجاری کشورهای مختلف خاورمیانه فراهم کرد. این طرح یکی از اهداف آمریکا برای گسترش مداخلات در کشورهای منطقه است که موضوع فرایند آن دموکراتیک کردن کشورهای خاورمیانه است که سبب گسترش و نفوذ بازیگران بین‌المللی در این منطقه است که باعث به وجود آمدن مشکلات امنیتی بیشتری برای شهروندان خاورمیانه به وجود می‌آید هدف اصلی ایالات متحده از طرح خاورمیانه آمریکا این است که بتواند منابع انرژی اقتصادی ساختاری خاورمیانه را تحت کنترل و سلطه خویش در آورد و از طرفی این ژئوپلیتیک و ذخایر استراتژیک این منطقه دارای اهمیت ویژه برای آمریکا داراست آمریکایی‌ها تلاش کردند تا زمینه‌های لازم را فراهم آورند که به تغییر زیرساخت‌های فرهنگی اجتماعی و هنجاری منجر شود که این خود موجب پیگیری هژمونیک‌گرایی آمریکا و تسلط رژیم غاصب اسرائیل در خاورمیانه خواهد بود

سرمقاله

طرح خاورمیانه بزرگ

[رضا قلعه‌نوی]

تفرقه بیانداز و حکومت کن و یا جدا کن و غالب شو، این عبارت همواره در تاریخ بشر با نام لشکرکشان و جنگ طلبان بزرگ و قدرت‌های استعماری سلطه‌گر و انحصار طلب معادل بوده است. با نگاهی به تاریخ جهان می‌بینیم که همواره طبقه حاکم بر جهان این دستور کار مهم را مد نظر داشته و از طریق جداسازی و تجزیه سرزمین‌ها و قدرت‌ها به راحتی به فتح و غلبه بر آنان دست یافته‌اند. این طبقه در طول تاریخ در کشورهای مختلفی این نسخه را با موفقیت آزموده و هر بار با کوله‌باری از تجربه‌های بیشتر بر شدت و وسعت اجرای این حکم استعماری افزوده‌اند. پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ آمریکا با استفاده از فرصت به دست آمده و با این پیش‌فرض که دارای رسالت تاریخی برای برخورد با تهدیدهای جهانی است، سیاستی یک‌سوی و قدرتمند محور در پیش گرفت با توجه به اهمیت و بیان نفت و گاز در انرژی جهانی و با توجه به این واقعیت که آمریکا با دارا بودن ۲ درصد ذخایر نفت جهان حدود ۲۵ درصد نفت جهان را در مصرف می‌کند، انگیزه لازم را برای این کشور به منظور تامین امنیت منابع نفت و گاز و مسیرهای انتقال آنها فراهم کرد، تا علاوه بر تامین نیازهای انرژی خود از طریق حضور و ایفای نقش موثر در امنیت منابع نفت و گاز و مسیرهای انتقال آن، رقبای خود را نیز کنترل کند. اهمیت منابع نفت و گاز خاورمیانه و خزر، که حدود ۶۴ درصد ذخایر انرژی جهان را در بر می‌گیرد، موجب شده است تا آمریکا برای ایجاد بستری سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هم‌سو با منافع خود در منطقه خاورمیانه با هدف تثبیت هژمونی جهانی خود، طرح خاورمیانه بزرگ را مطرح

از سال ۲۰۱۴ که درگیری های داعش در عراق و جنایت های وحشتناک این گروه آغاز شد سوژه ای برای نشان دادن انزجار هنرمندان از این وقایع شکل گرفت که فیلم های متعددی از آن سال ها تا به امروز ساخته شده است.

جشنواره جهانی فیلم فجر و بخش زیتون های زخمی محفلی است برای اینگونه فیلم ها برای نشان دادن سیاست های غلط آن هایی که فکر می کنند ابرقدرت هستند و جهان را صاحب باد سیاه یکی از فیلم هایی است که در همین ارتباط ساخته شده است. **Reşeba** (کردی) نام اثری به کارگردانی حسین حسن فیلم ساز کرد است که در سال ۲۰۱۶ منتشر شده است. داستان درباره یک زوج ایزدی به نام رکو و پرو است که قرار است به زودی ازدواج کنند. با حمله نیروهای داعش این دو از هم جدا می شوند. رکو که به دنبال نامزدش می گردد او را در سوریه پیدا می کند. آن ها در کمپ پناهندگان ساکن می شوند اما پرو به شدت از نظر روانی آسیب دیده و آینده عشق این زوج جوان نامعلوم است. حسین حسن کارگردان مشهور عراقی است که در جنیوری ۲۰۱۷ اعلام کرد در اعتراض به قانون نژادپرستانه ترامپ در جشنواره میامی شرکت نخواهد کرد.



نقش و ظرفیت داعش در افغانستان

[بهنام توکلی]

با گسترش داعش در عراق و سوریه، در شبه قاره نیز گروه های افراطی پدنبال پیوستن به گروه تروریستی داعش بودند و به همین دلیل با شکست داعش در سوریه و عراق، این پیش بینی وجود داشت که افغانستان یکی از مقاصد داعش و حامیان آن، برای جذب و تربیت دوباره نیرو باشد. از سال ۲۰۱۴ بعد که زمزمه ظهور داعش در افغانستان به گوش رسید، آموزش ها، عضوگیری و تربیت آنان در شهرستان «چین» ولایت ننگرهار شروع شد و با شکست داعش در عراق و سوریه، بخشی از نیروهای تکفیری و تروریستی داعش، به افغانستان منتقل شده و اکنون در بخش های شرقی، جنوبی و حتی شمالی این کشور لانه گزینی و تکثیر یافته اند. البته داعش افغانستان، داعش بومی است که عمدتاً از گروه های طالبان یا از شبکه حقانی و یا از سازمان القاعده جدا شده اند و بخش دیگری از آنان متصل به گروه های طالبان پاکستانی و یا شبه نظامیان خارجی نظیر ازبک، تاجیک، اویغور، چچنی،



ترکمن، عرب و... هستند که به داعش اعلام وفاداری کرده اند. شمار تروریست های داعشی در افغانستان مشخص نیستند، اما براساس برآوردها حدود ۳ تا ۵ هزار از این تروریست ها در افغانستان مستقر

هستند اعضای داعش در کل افغانستان پنج الی هفت هزار نفر است و اگر ادعای رییس شورای ولایتی کنردر مورد جذب حدود چهار هزار نفر در چهارماه از سوی گروه تروریستی داعش در این ولایت درست باشد بسیار نگران کننده است .. زمینه ها و بستری های اجتماعی پیوستن به داعش در جامعه افغانستان فراهم است، اما حضور طالبان (که مخالفت جدی با داعش دارد) از یکسو و مخالفت گروه های جهادی با گروه های تروریستی داعش و طالبان ازسوی دیگر موجب شده تا گسترش داعش در جامعه افغانستان با موانع بسیاری مواجه باشد، در عین حال شاهد افزایش حملات انتحاری داعش بویژه علیه شیعیان در افغانستان هستیم که میتوان به آتش زدن حدود هشتاد منزل مسکونی و ربودن معلمان و بیش از هزار کشته و زخمی برجای گذاشته است. علت افزایش حملات داعش را باید در حمایت آمریکا، کشورهای عربی و حتی حلقه هایی از دولت اشرف غنی از داعش جستجو کرد، امری که قابل تامل است. در واقع داعش یک ابزاری در دست آمریکا و متحدانش برای پیشبرد اهداف تفرقه آمیز و ایجاد دوباره جنگ مذهبی و فرقه ای در افغانستان و مناطق پیرامونی است و اساسا داعش به تنهایی قدرت ظهور و بروز در افغانستان را ندارد.

دو کشور برای قوی تر کردن مواضع خود در برابر محور ایران، روسیه و دمشق بهره می گیرد تا قدرت چانه زنی خود را بالا ببرد. قرائت سوم این است که آلمان و فرانسه در مقام نمایندگان آمریکا در نشست چهارجانبه حاضر شده اند. بر اساس این قرائت آمریکا را می توان حاضر غایب نامید. هر آنچه برلین و پاریس مطرح می کنند را می توان مواضع آمریکا دانست. با این حال انتظار حل مسئله از این نشست نمی رود و این نشست توانایی حل مسئله ادلب را ندارد.

مسکو؛ کلید حل مساله ادلب

اگر فشارهای ایران، روسیه و دمشق برای آزادسازی ادلب بیشتر شود، احتمالاً اردوغان از مواضع خود کوتاه می آید و اجازه عملیات نظامی علیه مواضع تروریست ها را صادر می کند یا اینکه بر این گروه ها برای واگذاری مناطق تحت کنترل، فشار جدی وارد می کند. مساله دوم که باید مورد توجه قرار گیرد در ارتباط با نقش روسیه در ادلب است. روس ها در شرایط کنونی در ادلب گشت نظامی دارند و می توانند آینده معادله را در جهت حل سیاسی یا حل نظامی در یک مقطع زمانی خاص پیش ببرند. نوع کنش روس ها به طور حتم می تواند تعیین کننده معادلات باشد و ایران با قدرت چانه زنی بالای خود می تواند روسیه را بطور جدی تر برای حل مساله ادلب تشویق کند.

عرصه مذاکرات پیرامون آینده ادلب، معادله را بیش از پیش پیچیده تر و غیر قابل حل تر کرده است. ربط دادن مساله عدم اجرایی شدن توافق ادلب به کارشکنی گروه های تروریستی تا حدود زیادی تقلیل مساله است؛ زیرا کنترل این گروه ها برای ترکیه به آسانی مقدور می باشد. آنکار با ایجاد دیواری دروغین میان تروریست های جبهه النصره و نیروهای تحت حمایت خود همچون احرار الشام و جیش الحر که آن ها را میانه رو می داند، مانعی بزرگ را در مبارزه با تروریست ها ایجاد کرده است. در واقع، جبهه النصره به عنوان نیرویی که ۷۰ درصد محدوده سرزمینی ادلب را تحت کنترل دارد، نه ترکیه با آن ها وارد جنگ می شود و نه به دولت سوریه اجازه مقابله با آنان را می دهد.

آیا نشست چهار جانبه استانبول نتیجه ای خواهد داشت؟

نتایج محتمل نشست اخیر کشورهای ترکیه، آلمان، روسیه و فرانسه در شهر استانبول، دارای چند قرائت مختلف است. اولین قرائت این است که روس ها برای حل آسان تر موضوع ادلب قصد دارند دیدگاه و موضع گیری آلمان و فرانسه را به خود نزدیک کرده و این دو کشور را در کلیه مسائل سوریه از آمریکا جدا کنند. با این وجود، این قرائت را می توان تا حدودی ضعیف ارزیابی کرد؛ قرائت جدی تر این است که ترکیه از این

میان ترکیه و روسیه بر سر ادلب یاد می شود دارای سطحی ناهمگون است. دولت ترکیه به هیچ عنوان قصد ندارد موضوع ادلب را مجدداً به دمشق واگذار کند و تلاش می کند مطالبات راهبردی خود همچون موضوع کردها، مسائل اقتصادی و ایفای نقش در آینده سوریه را برای خود حفظ کند.

در عرصه عمل نیز شاهد بودیم که وعده های اردوغان به ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه در ارتباط با خلع سلاح گروه های تروریستی در ادلب، اجرایی نشده است. در واقع گروه های تروریستی جبهه النصره و تحریر الشام زمانی که با قاطعیت اعلام کرده اند حاضر به پذیرش خلع سلاح نیستند و مناطق مشخصی که بین ترکیه و روسیه تعیین شده را تخلیه نخواهند کرد، چگونه می توان از حل مساله ادلب و توافق بر سر آن سخن به میان آورد.

ترکیه حامی اصلی حفظ قدرت و جایگاه جبهه النصره در ادلب

ترکیه در مقام بازیگری تاثیرگذار در عرصه ادلب، تا کنون نشان داده که به هیچ عنوان بازیگری قابل اعتماد نیست و در مراحل مختلف شاهد کارشکنی آن در شمال سوریه بوده ایم. آمریکا در مقام یکی دیگر از بازیگران دخیل در بحران سوریه، نیز اهداف متفاوتی را برای ایفای نقش فزاینده در معادلات دنبال می کند. علاوه بر این، ورود بازیگران اروپایی همچون فرانسه و آلمان به

[توحید محمدزاده]

آیا توافق میان ترکیه و روسیه قابل اجرایی شدن است؟

روند توافق بر اساس روندی که در گذشته تعیین شده بود به دلایل مختلف تا کنون اجرایی نشده است. اگر جزئیات توافق ادلب مورد توجه قرار گیرد آن گاه متوجه خواهیم شد که چرا توافق روسیه و ترکیه بر سر ادلب ناکام مانده است. بازیگران داخلی عرصه ادلب را می توان شامل نیروهایی همچون جبهه النصره، احرار الشام، جیش الحر و ده ها گروه تروریستی دیگر دانست که هر یک از آن ها اهداف و برنامه خاص خود را دنبال می کنند. در عرصه خارجی مساله بسیار پیچیده تر است و بازیگران خارجی که در مساله ادلب حضور دارند، اساساً در تقابل و تضاد آشتی ناپذیر با یکدیگر قرار دارند. برای نمونه نگاه ایران، روسیه و دولت سوریه در ادلب بر این مبنا است که به مرور باید این منطقه خلع سلاح شود و شهروندان به محل اصلی سکونت خود بازگشته و موضوع بازسازی این استان مطرح شود اما نگاه کشورهای آمریکا، ترکیه و حتی برخی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، قطعاً در تضاد با رویکرد محور مذکور است. بنابراین، آن چه که با عنوان توافق

اهمیت نگاه به شرق

[امیرحسین پرکشت]

تحولات ژرف بین المللی پس از پایان دوران دو قطبی در جهان موجب شد کشورها به بازنگری اساسی در سیاست جهانی خود رهنمون شوند. این تحولات در آسیا تاثیراتی داشت و آسیا پس از پایان جنگ سرد بیشتر مورد توجه قرار گرفت و دلیل آن ظهور قدرت های اقتصادی بود. آسیا به دلیل توسعه فراوان در زمینه اقتصادی و به دلیل پتانسیل انسانی و مادی زمینه ظهور قدرت های اقتصادی را پیدا کرد. از جمله رشد فزاینده چین در اقتصاد جهانی بود که رشد اقتصادی آن ۹/۶ درصد بوده است از طرفی دیگر هند در زمینه توسعه اقتصادی در آسیا شناخته می شود، همچنین روسیه علاوه بر پتانسیل سیاسی، اقتصادی و بین المللی به لحاظ منابع عظیم انرژی اهمیت فراوانی دارد. با این حساب می توان خیمه راهبردنگاه به شرق را روی ۳ ستون روسیه، چین و هند استوار دانست. رویکرد ایران به سمت شرق بعد از خروج ترامپ از برجام جدیت بیشتری در سیاست خارجی یافت. علی رغم گذشته نگاه امروزی به شرق یک نگاه اضطرار است که علت آن توجه نه چندان موثر به شرق در دوره های قبل و دولت روحانی بوده است. دولت روحانی در ابتدای روی کار آمدن در تلاش بود روابط خود را با غربی ها سروسامان دهد تا راهی به سوی همکاری با غرب بگشاید و ارزیابی دولت روحانی از همکاری با غرب این بود که حل مسئله هسته ای یعنی رویکرد آمریکا با ایران ملایم تر خواهد بود و تمام مشکلات اقتصادی و سیاسی ایران حل خواهد شد در حالی که در آن زمان نگاه به شرق در ساختار روابط سنتی و فقط اقتصادی بود. هر چند سیاست نگاه به شرق مسبق سابقه بود و در دوره دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی حرکت هایی به منظور پیوند با کشورهای مهم آسیایی مانند چین، هند و روسیه جهت اتخاذ راهبردی موثر برداشته شد. در نگاه رویکردی به شرق باید استراتژی بلندمدت اتخاذ نمود و با طراحی یک استراتژی مناسب در جهت بهره برداری از کشورهای شرق گام برداشت. در واقع باید گفت: همکاری صرفاً سیاسی و امنیتی نمی تواند تضمین آینده همکاری با شرق شود بلکه باید بُعد اقتصادی هم وجود داشته باشد. اصولاً سیاست های کلی و خود محدود ساز در روابط با شرق و یا غرب برای حفظ منافع ملی نمی تواند مفید باشد. شرقی که ما امروز با آن روبه روهستیم با آن شرق ایدئولوژیک گذشته فرق دارد و طبق سخن مقام معظم رهبری که بارها فرمودند: «باید نگاه استراتژیک به شرق داشته باشیم» چرا که رویکرد امروزی آن متفاوت است. آمریکایی ها تصریح کردند استراتژی آینده غرب این است که ثقل سیاسی و اقتصادی خودشان را در شرق آسیا متمرکز کنند، یعنی آینده اقتصاد دنیا در این منطقه است. در حالی که غربی ها تحریم پشت تحریم علیه ما اعمال می کنند، ما باید با گسترش ارتباط با شرق اقتصاد کشورمان را تامین کنیم. تکنولوژی را که نباید از چرخ چاه نفت شروع کرد. همه کشورهایی که پیشرفت کردند میانبر زدند. وقتی کشورهای شرق آسیا با ما قرارداد ببندند تکنولوژی را همراهشان می آورند و فنونی را به ما منتقل میکنند پس باید با نگاه به شرق از فرصت ها استفاده کرد. غرب تنها راه حل اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیست.

رهبر معظم انقلاب

دشمنی مستمر، عمیق و براندازانه آمریکایی ها، دشمنی با اینجانب یا دیگر مسئولان کشور نیست بلکه خصومت با مجموعه نظام اسلامی و ملتی است که این نظام را انتخاب کرده و در راه آن حرکت می کند.